

گرچه نوسانات دهه اول همین سده، بسا پیامدهای گونه گونه ناگوار، نابسامانی و ناملایمت های مختلفه را به همراه داشت، لیکن ره و درگشا به کشور سالها جنگ زده و در همین ارتباط مقید من بود، آنچه که سعادت نصیب گردانید و مجالم داد تا دم غنیمت شمارم و بعدی عمری قدم به خاکت نهاده، دیدارش بیدار، هوایش به سینه و زلالش به گلو رسانم.

کشور عزیز و عمدتاً "ذادگاه کعبه سای من باوجود متقبل شدن آنهمه مصیبت ها، گذر از حوادث بسی ویرانگر و غوطه ورشدن در دوزخ های رنگارنگ و باوجود تفاوت ها و تغییرات کلی، ناشی از حیثیت میدان نبرد بودن، همنوز هم در غرور بسر میبرد و بسا دیدنی های گوارا، دلچسپ و شگفت انگیز را عرضه مینمود. من دیگر سراپا دل بودم و دیده و از وجب و جب سرزمین عزیزم، گل فرحت میچیدم، عالمی بود، لیکن آنچه برای نخستین بار دیده، دماغ و خاصتاً "دلم باآن آشنائی به هم زدند و به شگفتی، تحسین و لذت کشانیدند، بودن در همان مکان معروف خانقاه بود که تا آن عهد برایم مطلقاً بیگانه مینمود و صرف حکایه های جالب و خارق العاده در آن مورد شنیده بودم، طبعاً" توجه من هم همواره بیشتر به بخش موسیقی این محوطه معطوف بود، مخصوصاً" که ذکر استاد توانا مرحوم سرآهنگ همواره در مورد ورد زبانها بود و حسرت مرا برمی انگیخت، چرا مرا سعادت حضورداشت در یکی از محافل استاد عشق نبود.

همنوز رسم تعظیم و بجا آوردن ادب بدرستی تمام نشده بود که من باگوش و پوست خود حس کردم، خانقاه محور معیار های عرفانی، درخشده گی معنویت و سکوی برای پرواز روح و رهائی از عالم جسمانی در عالم معنویت میباشد که همان هم بود و سالکان و پارسیان برای صفای باطن و حصول معنویت در آنجا جمع شده، یکدل و یک زبان ذکرگویان به سیر آفاق پرداختند. بعداً" هم دانسته شدم که خانقاه و خانقاه نشینی در کشور ما با آداب و رسوم خاص خود از سالیان پیشین وجود داشته، کابل عزیز مخصوصاً" با قرار گرفتن در گذرگاه تمدن های منطقه همواره از تجلی نور جان و دلنواز عرفان بهره مند بوده، مردان بزرگی چون مولانا جلال الدین بلخی، سنائی، عطار، خواجه عبدالله انصار و ... در آن ارتباط ظهور نموده اند و شکرش بجا که همنوز هم خانقاه های ما از اهمیت و رونق خاص برخوردارند.

درخانقاه دمی آن چو رسید که منظومه های عرفانی، ثنائی، عشقی ... در پرده سازها با سر و هم آهنگی اجرا شود، دیگر بالاترین مرحله رسیدن به معنویت را به هرشنونده ترسیم میکرد و در آن حالت مرا باخود گفتن همین بود که تحسین، عجب ترکیب تأثیر آور، روح افزا، دلنواز و سکون بخش است، موسیقی و دین و چه خوش که همین ماند و همین، چه موسیقی و دین چنان روابط آمیخته باهم دارند که از نظر تنوع تعریف هریک جداگانه، کاریست، دشوار؛ متون دینی در بیشترین بخش های تاریخ بجای آنکه نوشته شده باشند، اولاً" سروده و خوانده شده اند، اکثراً" باورمندان و معتقدین به دین موسیقی را پاک ترین نمونه روحانیت دانسته اند، پیروان مذهب سنتی سریلانکا طبل زن و رقااص و رقااصه بودند و پیش روان مذهبی شمال اروپا، آسیا و آسیای میانه، موسیقی را طرح الهی و اساسی ترین رابطه برقراری با جهان روحانی خوانده اند. نیایش های بودائی، دعا های اسلامی و ستایش و پرستش اهل هنود همه و همه با آواز خوانده شده اند، گات ها یا سرودهای مذهبی زرتشت با آهنگ موسیقی و درموقع عبادت خوانده میشد، خاص است در این مورد جهان بینی هندوئیسم که بجا آوردن مراسم مذهبی و بیان کلماتی استغاثه، طلب آمرزش و یادرخواست خیروبرکت در آن اغلباً" باهمراهی ابزار موسیقی (سازها) در قالب راگ هاو راگنی ها اجرا میشود؛ حتی ذکر جملات گیتا، کتاب مقدس شان هم عمدتاً" به همین شکل صورت میگیرد، همانطوریکه اجرای رسم عبادت به پیشگاه شیوا (خدای رقص) بادای کلمات بشکل ترنم و با موسیقی پیش برده میشود.

شایان بیان است که همچنان پرستش سیک مذهبان در پهلوی رسوم دیگر باخواندن کلام چند از کُرنگ کتاب پاک شان، در داخل گودواره، غالباً در قالب یک آهنگ و همنوایی سازها روا میگردد و در بسا کشور های قاره سیاه حتی تشیع جنازه و نوحه خوانی بعضاً باموسیقی پیش برده میشود، در اصل موسیقی مذهبی یکی از قدیم ترین نوع این هنر است که در همه نقاط دنیا کم و بیش بکار رفته، مخصوصاً در اروپا مقامی والای یافت، چنان که بزرگ ترین موسیقی دانان پیشین مثل "بخ" و "هندل" از کلیسا ظهور نمودند و کلیسای عیسویان اساساً مهمترین مشوق و بهترین وسیله ترقی و پیشرفت موسیقی اروپائی است.

موسیقی در اسلام هم حرام شمرده نشده و در هیچ جای قرآن از همچو مورد یاد نشده است، برخلاف آورده اند که پیشوای این دین خود براهمیت موسیقی در موارد خاص ارج میگذاشت، چنانچه امام شیعیان فرموده است که "روزی پیامبر از محله بنی زریق عبور میکرد، صدای موسیقی شنید و فرمود: چه خبر است؟ گفتند ای رسول خدا فلانی ازدواج کرده است، پیامبر فرمودند: پس دینش کامل شده است، این ازدواج است نه زنا و نکاح به ازدواج نباید مخفیانه باشد باید دودی به آسمان برود) منظور اسپند) یاصدای دایره بلند شود" آنچه در این باب در اسلام حرام قلمداد شده است، همانا موسیقی مبتذل، رقص های ایجاد کننده تمایلات جنسی، الفاظ پوچ و خلص مطلب اینکه: هر نوع خواننده گی و نوازنده گی که باعث بوجود آمدن هوسرانی، هرزگی، فسق و فجور و ... باشد، از نوع حرام است) رقص شکم، موسیقی بچه بازی، والس، مجرا، رقص های هوس انگیز دیگر... که متاسفانه در عهد کنونی همین نوع نامطلوب دامنگیر موسیقی افغانی شده، به همان شکل مبتذل و دور از هر نوع معیار های موسیقائی - افغانی از رسانه های به اصطلاح افغانی پخش میشود و بدتر اینکه برای تبلیغ و ترویج آن هم کوشش های به عمل می آید.

در اسلام غنا حرام است، لیکن همان مورد را هم اگر جنبه نوحه خوانی، مرثیه، آذان و ... باشد، جایز است، به همین ترتیب، تلاوت قرآن، آواز ساربان برای شتران، آواز نی شبان برای گله اش و ... همه و همه موارد استثنائی اند و حکم به جواز و جایز بودن آن ها رفته است. بعدها بابه میان آمدن خانقاه و حادث شدن خانقاه نشینی که در بعضی از طریقت ها، بکاربرد اشعار عرفانی و مذهبی، رقص سماع، قوالی خوانی، ذکر کردن و ... مروج میباشد، استفاده از سازها هم در دستور کار قرار گرفت که در این رابطه امیر خسرو دهلوی سنگچارکی که در قرن هشتم میزیسته است و از پیشتازان طریقت چشتیه بود، نقش سازنده را بازی نموده است، وی برای ترویج بیشتر این طریقت، قوالی خوانی را در موسیقی کلاسیک ایجاد نمود تا مطربان و پیروان این طریقت بتوانند باهمراهی سازها، اشعار عرفانی و مذهبی را در خانقاه ها خوانده، از یک طرف عبادت کنند و از جانب دیگر به وجد آمده، لذت ببرند، همچنان قادر باشند بابرهمنان که در معابد خود "بجن" میخواندند، رقابت کنند.

هرموسیقی اصولی و اساسی خواه در پناه مذهب و خواه جدا از آن قابل ستایش است، زیرا انسان را از رنج میرهاند، همانطوریکه جذب حیوانات، افزایش محصولات در ارتباط بارنده گی، برقراری ارتباط بالوهیت، درمان تکالیف مختلفه روانی، آرامش بخشیدن و بخواب بردن اطفال، احساس واقعی طبیعت و احیاناً یکی شدن با آن و ... همه و همه را در سر و هم آهنگی و پرده های موسیقی ممکن میدانند که بعضاً این ادعا بار بار ثابت هم شده است.

موسیقی برخلاف تصور چندی که آنرا تنافراصوات شیطان میپندارند نیست، بلکه داد خدائست که به منزله پاک ترین نمونه روحانیت باید ستوده شود، موسیقی به ندرت پدیده بیطرف شناخته شده و همواره ارزش های آن بازتابی جهانی و پراهمیت در فضای دینی داشته است.

نفس در سینه آدم نمیرفت

میان سینه او ساز کردند.